

گزارش

پیشتازان شرق؛ الگوی جدید امنیت اروپا

شرق: اعضای ناتو در تلاش‌اند تا به رئیس‌جمهور ترامپ نشان دهند هزینه‌های دفاعی خود را افزایش داده‌اند؛ حتی اگر برای این کار از حساب و کتاب‌های خلاقانه استفاده کنند. با ادامه جنگ روسیه و اوکراین و تهدید احتمال بروز جنگی فراگیر در خاورمیانه، فشارهای ترامپ بر شرکای اروپایی دوجندان شده است. اجلاس ناتو این هفته در لاهه برگزار می‌شود و قرار است موضوع تعیین ضرب‌الاجلی برای رساندن هزینه‌های دفاعی اعضا به پنج درصد تولید ناخالص داخلی روی میز قرار گیرد؛ هدفی که ترامپ از آغاز دوره اول ریاست‌جمهوری‌اش مدام بر آن اصرار داشته و بارها تأکید کرده که ایالات متحده در حالی برای امنیت اروپا هزینه می‌کند که بسیاری از کشورها عملاً روی پشتوانه نظامی آمریکا حساب باز کرده‌اند. نحوه برخورد اعضا با این چالش، نقطه عطفی برای آینده ناتو خواهد بود. رهبران کشورها باید میان جلب رضایت ترامپ و ادامه بهره‌برداری از چتر امنیتی آمریکا، و تلاش برای استقلال بیشتر از واشنگتن، راهی متعادل پیدا کنند. با بالا رفتن انتظارات کاخ سفید، برخی کشورها با اعلام برنامه‌های سرمایه‌گذاری جدید و حتی جابه‌جایی اعتبارات -از پروژه‌های به‌ظاهر دفاعی تا صرف بودجه برای زیرساخت‌های غیرنظامی- سعی دارند ارقام بودجه دفاعی خود را بالا نشان دهند.

تحلیل تازه پولیتیکو شکاف‌های جدی میان کشورهای بزرگ هزینه‌بر اروپای شرقی و کشورهای غربی و جنوبی را نشان می‌دهد؛ کشورهایی که همچنان با سرعتی کند به سوی تحقق هدف یک دهه پیش (دو درصد تولید ناخالص داخلی) حرکت می‌کنند. اکنون ۳۲ عضو ناتو را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: پیشتازان، گروه‌های در حال صعود و عقب‌ماندگان. اغلب کشورها در میانه این طیف قرار می‌گیرند؛ آنها نه با شتاب به سوی هدف پنج درصد می‌روند و نه در هدف دو درصد متوقف مانده‌اند، اما در مجموع روندی رو به رشد را تجربه می‌کنند. یک مقام وزارت دفاع آمریکا دراین‌باره می‌گوید: «اکثر اعضای ناتو به‌خوبی دریافته‌اند که باید عملکرد بهتری داشته باشند. ما این نشست‌ها را فرصتی علنی می‌بینیم تا کشورها با حضور رئیس‌جمهور آمریکا، واقعاً به تعهدات خود عمل کنند».

لهستان در سال‌های اخیر صد‌رشتن هزینه‌های دفاعی ناتو بوده و اکنون ۴٫۷ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را به این بخش اختصاص می‌دهد؛ رقمی بی‌سابقه که برای خرید انواع پهپاد، جنگنده و تسلیحات دیگر صرف می‌شود. همسایگی با روسیه و تجربه تلخ برخورد موشک‌های سرگردان که به کشته‌شدن شهروندان انجامید، لهستان را بیش از دیگران در برابر تهدیدات شرقی حساس کرده است.

این هوشیاری باعث شد رزشو از کمیسیون اروپا درخواست کند ۶۰۹ میلیارد دلار از بودجه پروژه‌های سبز را به بخش دفاعی منتقل کند. چنین افزایش هزینه‌ای، لهستان را به کشوری محبوب در واشنگتن تبدیل کرده است. خریدهای تسلیحاتی لهستان را رویکردی خلاقانه و متنوع همراه است. این کشور برای تسریع در دریافت تجهیزات، سامانه‌ها و تسلیحات را از کشورهای مختلف خریداری می‌کند. لهستان نخستین عضو ناتو بود که میلیارد‌ها دلار تجهیزات و توپخانه دوربرد از کره جنوبی تهیه کرد؛ مدلی که اکنون کشورهایی مانند فنلاند که از تأخیر در تحویل تسلیحات آمریکایی کلافه‌اند، در پیش گرفته‌اند.

یکی از دیدلمات ناتو می‌گوید: «کشورها برای رسیدن به هدف پنج درصد، دست به هر اقدامی می‌زنند؛ از جمله احتساب پروژه‌های زیربنایی به‌عنوان هزینه‌های دفاعی، تا مجموع ارقام را بالاتر نشان دهند».

استونی، لیتوانی و لتونی، سه کشور حوزه بالتیک که پیش‌ازاین تحت حاکمیت روسیه بودند، برنامه‌ریزی کرده‌اند که تا سال آینده با به‌زودی به مرز پنج درصد برسند. آنها هم‌اکنون از جمله بالاترین هزینه‌کنندگان در ائتلاف ناتو به‌شمار می‌آیند. استراتژی دفاعی این کشورها بر مدل «خارشتی» مبتنی است؛ الگویی برگرفته از سیاست‌های تایوان برای بازدارندگی مقابل تهاجم چین. تمرکز اصلی آنها بر تسلیحات کوچک، متحرک و کشنده است که از ساحل، هر کشتی روسی تهدیدکننده را هدف قرار می‌دهد.

در میان کشورهای مدیترانه، یونان با هزینه‌ای بیش از سه درصد تولید ناخالص داخلی، وضعیتی استثنائی دارد. نخست‌وزیر یونان، کیریاکوس میستوتاکیس، در آوریل گذشته از برنامه ۱۳ساله و ۲۸ میلیارد دلاری دفاعی خود رونمایی کرد که شامل پهپادها، مهمات هوشمند، ماهواره‌ها و سامانه دفاع هوایی Achilles' Shield می‌شود. با وجود بیشترین حجم هزینه دفاعی در میان اعضا، سهم هزینه دفاعی ایالات متحده هنوز به ۳۰۴ درصد تولید ناخالص داخلی می‌رسد. آمریکا هم با چالش‌های داخلی جدی برای تحقق هدف ناتو روبه‌رو است؛ حتی اگر ضرب‌الاجل ۲۰۳۵ به تصویب برسد که قرار است در اجلاس پیش‌رو پیشنهاد شود.

بریتانیا و فرانسه به‌عنوان دو قدرت هسته‌ای اروپا، در سال‌های اخیر هزینه‌های دفاعی خود را افزایش داده‌اند اما هر دو با موانع جدی روبه‌رو هستند. بودجه دفاعی بریتانیا از ۲۰۲ درصد تولید ناخالص داخلی در ۲۰۲۳ به ۲۰۳ درصد در ۲۰۲۴ رسید؛ این افزایش عمدتاً ناشی از هزینه‌های پژوهش و توسعه و همچنین شرکت در عملیات‌های بزرگ مثل دفاع هوایی در دریای سرخ و اعزام ناوهای هواپیمابر به اقیانوس آرام بوده است. نخست‌وزیر جدید، کی‌یر استارمر، وعده داده تا سال ۲۰۲۶ این رقم را به ۲۰۶ درصد برساند که بخش عمده آن از طریق احتساب هزینه‌های اطلاعاتی و کاهش بودجه کمک‌های خارجی حاصل خواهد شد. اما او با بحران بودجه‌ای شدید مواجه است و هنوز نقشه راه روشنی برای رسیدن به سه درصد ارائه نکرده است.

فرانسه نیز از زمان روی کار آمدن آمانوئل مکرون در سال ۲۰۱۷، به‌تدریج بودجه دفاعی خود را افزایش داده اما تازه سال قبل به رقم دو درصد رسید. فرانسه یکی از به‌دکارترین کشورهای اتحادیه اروپاست و وضعیت مالی عمومی آن بسیار بحرانی است. مشخص نیست دولت مکرون چگونه بتواند منابع مالی لازم برای رسیدن به هدف پنج درصد را تأمین کند؛ به‌ویژه آنکه رئیس‌جمهور صراحتاً افزایش مالیات را رد کرده است. آلمان به سوندن نیز با اصلاح قواعد مالی خود و رسیدن به دو درصد، به‌دنبال پیشروی بیشتر هستند. دولت‌های متوالی آلمان سال‌ها هدف ناتو را جدی نگرفته بودند، اما با وقوع جنگ در اروپا و مفهوم جدید «تغییر دوران» (Zeitenwende) که اولاف شولتس، صدراعظم پیشین، مطرح کرد، این رویکرد دگرگون شد. برلین در سال ۲۰۲۴، برای نخستین بار از ۱۹۹۰، هزینه دفاعی را به ۲٫۱ درصد تولید ناخالص داخلی رساند؛ هرچند این افزایش صرفاً با حسابداری خلاقانه ممکن شد و بخش بزرگی از بودجه دفاعی از صندوق ویژه و موقت تأمین شد.

سوند هم پس از پیوستن به ناتو در سال ۲۰۲۴، هزینه دفاعی خود را از ۱٫۵ درصد به ۲٫۲ درصد افزایش داد. استکهلم قوانین مالی خود را اصلاح کرده که تا سال ۲۰۳۵ تا سقف ۳۰ میلیون دلار وام دفاعی دریافت کند. در میان کشورهای عضو، ترکیه با وجود اینکه در سال‌های اخیر به هدف دو درصد نرسیده، اما به لطف صنعت دفاعی قدرتمند و ارتشی بزرگ -دومین ارتش ناتو- تأثیرگذاری فراثر از بودجه خود دارد. چند کشور کلیدی همچنان فاصله زیادی با هدف پنج درصد دارند؛ به‌ویژه کانادا، اسپانیا و ایتالیا. هر سه کشور وعده داده‌اند که این فاصله را جبران کنند، اما ملاحظات سیاسی، حسابداری پیچیده و عادات تاریخی موانع شتاب پیشرفت شده است.



حمله‌ای که موازنه سیاست آمریکا را برهم زد

جدال سیاست و قانون در واشنگتن

کنیم، آگاهی از این موضوع باید قبل از شروع حملات باشد؛ نه بعد از آن». حکیم جفریز، رهبر اقلیت مجلس نمایندگان، این حملات اقدام نظامی علیه تهران هم عمدتاً در صف موافقان قرار بگیرند. گرچه پیش از این، احتمال حمله نظامی آمریکا به ایران در میان دموکرات‌ها مخالفت‌هایی جدی برانگیخته بود و در جناح جمهوری‌خواهان هم اختلافات و بحث‌هایی به چشم می‌خورد، اما پس از انتشار پست ترامپ در شبکه اجتماعی «تروث‌سوشال» مبنی بر بمباران ایران، بسیاری از منتقدان حزب جمهوری‌خواه، این عملیات را اقدامی محدود و قابل دفاع توصیف کردند. در همین حال، دموکرات‌های ارشد با محکوم‌کردن این حملات، آن را غیرقانونی خواندند و هشدار دادند که چنین اقدامی می‌تواند آمریکا را وارد جنگی دیگر در خاورمیانه کند. در درون حزب جمهوری‌خواه، جدالی میان هواداران تغییر حکومت در ایران و جریان‌های انزواطلب که معتقد بودند ورود آمریکا به یک جنگ تمام‌عیار با ایران، فلسفه «اول آمریکا» را نقض می‌کند، در جریان بود. با این حال، چهره‌های شاخص حزب پس از حمله هوایی- از تصمیم ترامپ حمایت کردند. چارلی کرک، فعال محافظه‌کار و از منتقدان جریان جنگ‌طلب حزب، اعلام کرد: «ایران برای رئیس‌جمهور ترامپ هیچ راهی نگذاشت. او سال‌هاست به‌روشنی گفته هرگز اجازه نخواهد داد ایران به سلاح هسته‌ای دست یابد. این یک حمله جراحی‌شده و کاملاً دقیق بود. ترامپ با تدبیر و قاطعیت عمل کرد». مت کیتز، نماینده سابق فلوریدا و یکی از گزینه‌های احتمالی ترامپ برای سمت دادستان کل، که پیش‌تر هشدار داده بود که اگر گذاری بمباران سرایت فرود تدرید داشت، پس از حمله آن دیگر کند، پس از حمله نوشت: «ترامپ اساساً می‌خواهد این حمله مثل عملیات‌های دوره اول ریاست‌جمهوری‌اش علیه ایران، سریع و محدود باشد، نه جنگ برای تغییر حکومت». سناتور تیم شی‌هی، عضو کمیته نیروهای مسلح سنا نیز که پیش‌تر نسبت به اثرگذاری بمباران سرایت فرود تردید داشت، پس از حمله آن را تصمیم درست خواند: «این آغاز جنگ نیست، پایان یک جنگ است. ایران ۴۶ سال است که با آمریکا در جنگ است».

موضع مخالفان و حامیان

در مقابل، دموکرات‌ها تقریباً یک‌صد با این حمله مخالفت کردند. استدلال آنها این بود که حتی اگر نابودی برنامه هسته‌ای ایران هدف مثبتی باشد، ترامپ فاقد اختیار قانونی برای آغاز این حملات بوده است. رهبران کمیته‌های اطلاعاتی مجلس نمایندگان و سنا اعلام کردند پیش از حمله هیچ اطلاعی دریافت نکرده‌اند. جیم هایمز، عضو دموکرات مجلس نمایندگان، تأکید کرد: «مطابق قانون اساسی که ما سوگند خورده‌ایم از آن دفاع

نمایندگان که پیشاپیش در جریان حمله قرار گرفته بود. این اقدام را «سیاست واقعی اول آمریکا» توصیف کرد و افزود: «اقدام قاطع رئیس‌جمهور مانع از آن شد که ایران به خطرناک‌ترین سلاح جهان دست پیدا کند».

افزایش فشار بر کنگره

با وجود این، برخی از جمهوری‌خواهان تمایل به انزواطلبی، همچنان نگران تبعات اقدام ترامپ بودند. این حمله ممکن است فشارها برای تصویب طرح‌هایی در مجلس نمایندگان و سنا در مورد اختیارات جنگی علیه ایران را افزایش دهد. به نوشته پولیتیکو، استیوین، مشاور و استراتژیست قدیمی ترامپ که نسبت به مداخله نظامی آمریکا تردید دارد، هم‌زمان با اعلام حمله، در حال پخش زنده بود و خطاب به ترامپ خواست که دلایل حمله را به روشنی برای پایگاه هوادارانش توضیح دهد. توماس مَسی، نماینده جمهوری‌خواه کنتاکی، بلافاصله پس از اعلام حمله، آن را «برخلاف قانون اساسی» دانست و افزود: «در حالی که شاید تصمیم ترامپ موجه باشد، یافتن توجیهی مطابق قانون اساسی برای آن دشوار است». وارن دیویسون، نماینده جمهوری‌خواه دیگر نیز نوشت: «منتظر توضیحات امشب ترامپ هستم».

پیش‌بینی بحث‌های قانونی گسترده

نماینده پیش‌شوری دموکرات، رو خانا، خواستار بازگشت فوری کنگره به واشنگتن برای تصویب طرحی شد که جلوی ورود آمریکا به جنگی بی‌پایان در خاورمیانه را بگیرد. هنوز مشخص نیست دولت ترامپ بر چه مبنای حقوقی اقدام خود را توجیه کرده است؛ موضوعی که احتمالاً زمینه‌ساز تلاش‌های کنگره برای محدودکردن اختیارات او خواهد شد. سناتور تیم کین اعلام کرد قصد دارد به‌زودی طرحی را به رای بگذارد که هرگونه اقدام نظامی علیه ایران بدون مجوز کنگره را ممنوع می‌کند؛ «افکار عمومی آمریکا به شدت با جنگ با ایران مخالف است. حتی وزیر خارجه اسرائیل دیروز پذیرفت که بمباران اسرائیل برنامه هسته‌ای ایران را حداقل دو یا سه سال به عقب برده است. پس چرا ترامپ امروز این قدر عجولانه تصمیم گرفت حمله کند؟ قضایوتی وحشتناک». برنی سندرز، سناتور مستقل ایالت ورمانت که لایحه خودش را درباره ایران دنبال می‌کند، در جریان کارزار «مبارزه با الیکارشی» در قبالش اعلام می‌شدن این حملات را غیرقانونی دانست. جمعیت حاضر یک‌صد شعار «جنگ بس است» سر دادند و سندرز با اشاره به تصمیم ترامپ گفت: «نه‌تنها شنیدن این خبر همین حالا برای من نگران‌کننده است، بلکه از نظر قانونی به‌شدت غیرقانونی است. همه شما می‌دانید که تنها مرجع قانونی برای ورود آمریکا به جنگ، کنگره است، نه رئیس‌جمهور».

لبنان و غزه زیر آتش توپخانه‌های اسرائیل

هفته گذشته اسرائیل بارها لبنان را هدف قرار داده است. برای مثال این رژیم در روز ۲۹ اسفند اعلام کرد که یاسین عزالدین، مسئول واحد توپخانه حزب‌الله را در منطقه نبطیه ترور کرده است. این شهر در جنوب لبنان قرار گرفته و حدوداً صد هزار نفر جمعیت دارد و شهرک بریش آن مورد حمله‌ای قرار گرفت که به کشته‌شدن عزالدین انجامید. ارتش اسرائیل که برخلاف آتش‌بس دست به اقدام زده بود، مدعی شد فعالیت‌های یاسین عزالدین نقض فاحش توافق میان تل‌آویو و بیروت بوده است. اسرائیل هم‌زمان با این حمله اعلام کرد که به عملیات خود در لبنان با هدف مقابله با حزب‌الله پایان نخواهد داد.

روز ۳۰ خرداد هم لبنان از حملات اسرائیلی بی‌نصیب نبود. جنگنده‌های اسرائیلی در این روز در مدت هفت دقیقه، چهار بار جنوب لبنان را بمباران کردند. براساس آنچه منابع عربی اعلام کرده‌اند، جنگنده‌های اسرائیلی ارتفاعات جبل الریحان در اقلیم التفاح در جنوب لبنان را بمباران کرده بودند. ارتش اسرائیل مدعی شد در حملاتی که گسترده خوانده شده، سکوهای موشکی و مواضع حزب‌الله را هدف قرار داده است.

از دیگر حملات یک هفته گذشته، بمباران ساختمان نیروهای رضوان حزب‌الله در جنوب لبنان و در روز ۳۱ خرداد است. ارتش اسرائیل اعلام کرد که این حمله با کمک نیروی دریایی و به منطقه

یادداشت

جنگ نهایی

تا پاپ و امپراتور هستند، جنگ هم هست. جنگ غم و غصه‌ای ندارد و هر لحظه دوباره بر می‌خیزد، چون این دو (امپراتور و پاپ) آن را زمانی که از تب‌وتاب افتاده است، احیا می‌کنند. می‌گویند برای بنیاد نهان باید منهدم کرد. مردم با اضطراب نظاره می‌کنند که بنیاد نهاد و منهدم‌کردن و تخاصم و جنگ مدام تکرار شده است. مردمی که می‌گویند نه به تجاوز و جنگ، اما گوینی امپراتور و پاپ نمی‌شنوند. توهم جنگ آخر یا جنگ خوب آن‌چنان در اذهان برخی سیاستمداران اروپا و آمریکا جای گرفته است که حمله به ایران و نقض تعهدات و

گزارش

چشم‌انداز ۳۰ روزه برای توافق آمریکا و کانادا

شرق: دفتر نخست‌وزیری کانادا اعلام کرد مارک کارنی، نخست‌وزیر این کشور، و دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، در جریان دیدار خود در اولین روز نشست سران گروه هفت در کناناسکیس آلبرتا و تماس‌های تلفنی پس از آن، متعهد شدند ظرف ۳۰ روز آینده به توافقی جدید دست یابند. این توافق احتمالی، حاصل گفت‌وگوهایی بود که با محوریت شکل‌گیری روابطی تازه در حوزه‌های اقتصادی و امنیتی میان دو کشور و همچنین بررسی فشارهای تجاری و اولویت‌های هر طرف انجام شد.

در همین راستا، ترامپ پیش‌تر در دیدار دوجانبه با کارنی گفته بود دستیابی به توافق مثبت دو کشور در مدت کوتاهی ممکن است؛ به شرط آنکه دو طرف بتوانند به تفاهم برسند. از سوی دیگر، مقام‌های کانادایی نیز نسبت به احتمال نهایی‌شدن این توافق در آینده‌ای نزدیک ابراز خوش‌بینی کرده‌اند. کریستن هیلمن، سفیر کانادا در آمریکا، تأکید کرد گفت‌وگوهای تجاری میان دو کشور در هفته‌های اخیر سرعت بیشتری گرفته و افزود: «در این مدت، مذاکرات سازنده‌ای داشته‌ایم و به‌ویژه در هفته‌های اخیر احساس می‌کنیم به درک متقابل و مؤثری رسیده‌ایم. امروز هم این روند تداوم داشت.»

هیلمن همچنین خاطرنشان کرد که شتاب‌گرفتن روند مذاکرات، نشانه‌ای مثبت برای دو کشور است و احتمال دستیابی زودهنگام به توافق را افزایش می‌دهد.

تمرکز بر رفع تعرفة‌ها

در همین حال، دومینیک لوبلان، وزیر تجارت کانادا، دیدار میان مارک کارنی و دونالد ترامپ را «گفت‌وگویی طولانی و محتوایی» توصیف کرد و گفت پیشرفت‌هایی در مسائل تجاری حاصل شده است. او افزود: «تمرکز اصلی مذاکره‌کنندگان بر رفع موانع تجاری و رسیدن به ثبات اقتصادی برای هر دو کشور بوده است». کریستن هیلمن نیز مجدداً تأکید کرد که هدف اصلی اتاوا لغو تعرفه‌هاست و خاطرنشان ساخت اعمال سیاست‌های تعرفه‌ای بر کالاهای کانادایی با اهداف کلان رئیس‌جمهور آمریکا مغایرت دارد.



دفتر نخست‌وزیری کانادا همچنین اعلام کرد کارنی و ترامپ در دیدارها و تماس‌هایشان درباره گسترش همکاری‌های دوجانبه در حوزه‌های مختلف، از جمله تأمین مواد معدنی حیاتی، مبارزه با قاچاق اسلحه و مواد مخدر، امنیت مرزها و زمینه‌های بالقوه برای همکاری دفاعی گفت‌وگو کردند.

دیدارهای چندجانبه وتحولات جدید

هم‌زمان با مذاکرات میان کانادا و آمریکا، دونالد ترامپ در همان روز توافق‌نامه تجاری جدیدی با کی‌یر استارمر، نخست‌وزیر بریتانیا، به امضا رساند. طبق اعلام کاخ سفید، ترامپ سفر خود به کانادا را کوتاه کرد تا به مسائل مربوط به بحران خاورمیانه رسیدگی کند؛ هرچند او در عکس دسته‌جمعی رهبران گروه هفت حضور داشت.

مارک کارنی، نخست‌وزیر کانادا، در حاشیه این اجلاس با رهبران ژاپن، فرانسه و ایتالیا نیز نشست‌های دوجانبه برگزار کرد تا موضوعات مرتبط با همکاری‌های اقتصادی و امنیتی را به بحث بگذارند.

در مجموع، نشانه‌ها حاکی از آن است که روند مذاکرات میان کانادا و ایالات متحده در هفته‌های اخیر با سرعت و اراده بیشتری دنبال می‌شود. تأکید طرفین بر رفع اختلافات تجاری و گسترش همکاری‌های امنیتی و اقتصادی، امیدها را برای دستیابی به توافقی پایدار میان دو کشور طی هفته‌های آینده افزایش داده است. به نظر می‌رسد رهبران دو کشور مصمم‌اند تا با غلبه بر چالش‌های موجود، فصل جدیدی از روابط اقتصادی و راهبردی را رقم بزنند.